

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۸۹

ص ص ۶۸ - ۵۳

مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و
غیرشاغل و عوامل مرتبط با آن در شهر مهاباد

دکتر نعمت‌الله تقوی^۱

دکتر صمد صباغ^۲

حسام نصیری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۴/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل و عوامل مرتبط با آن در شهر مهاباد می‌باشد و روش تحقیق به کار رفته در آن پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه زنان متأهل با دامنه سنی ۱۵-۶۴ ساله شاغل و غیرشاغل شهر مهاباد در سال ۹۲-۱۳۹۱ به تعداد ۴۶۶۲۵ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۰ نفر برآورد گردیده و نمونه‌ها به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای و هم‌چنین تصادفی سیستماتیک انتخاب گردیدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد سازگاری زناشویی اسپانیول که ضریب پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به‌دست آمد، صورت گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شده است. فرضیه اصلی تحقیق با آزمون تی و مقدار خطای ۵ درصد و سطح معنی‌داری ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین نتایج یافته‌های پژوهش حاضر گویای آن است که میزان سازگاری زناشویی زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل بیشتر است.

واژگان کلیدی: سازگاری زناشویی، اشتغال، زنان شاغل، زنان غیرشاغل.

E-mail: nemataghavi@yahoo.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز.

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز؛ گروه علوم اجتماعی، تبریز-ایران.

۳. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران (نویسنده مسئول). E-mail: sama_mahabad@yahoo.com

مقدمه

سازگاری زناشویی بهترین فرصت را برای اتفاق و اتحاد براساس صمیمیت هرچه بیشتر و دوام هرچه فزون‌تر اخلاقی، جسمانی و روانی به وجود می‌آورد (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۹۵). سازگاری زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین ثبات و دوام زندگی زناشویی مطرح است (گال، ۲۰۰۵).

سازگاری بین زن و مرد در خانواده از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که یکی از این عوامل، شاغل یا غیرشاغل بودن زن است. اشتغال از مباحث مهم عصر حاضر جهت گسترش مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان است که تغییرات بسیاری را در ساختار ارزشی، فرهنگی و هنجاری خانواده و جامعه به وجود آورده است (شریبتیان، ۱۳۸۸).

گرایش زن به سوی اشتغال بیش از همه بر خانواده اثر می‌نهد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد و این امر همواره مورد توجه صاحب‌نظرانی بوده است که اشتغال زن را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

امروزه شاغل بودن زنان یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است. زنان به علل گوناگون به کار روی می‌آورند و حتی علاوه بر مسئولیت خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز پذیرا شده‌اند. در این جا است که ما با قشری اجتماعی به عنوان زنان شاغل روبرو هستیم. افرادی که در دو جبهه مهم، یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه می‌باشند. با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار، امروزه زنان علاوه بر ایفای نقش در خانواده، پذیرای مسئولیت‌های عمده‌تری نظیر اشتغال در بیرون از خانه می‌باشند. با وجود این که زنان ایرانی به انحای مختلف سعی در بروز خلاقیت و نشان دادن توان‌مندی‌های خود در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی دارند، اما چنین به نظر می‌رسد که بسترهای مورد نیاز برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف به نحو مطلوب فراهم نشده و جامعه کمتر پذیرای فعالیت آنان، به ویژه در عرصه اقتصادی است (موسی‌پور، ۱۳۸۷: ۵-۴).

فعالیت زن در بیرون از خانه گرچه به بالا رفتن درآمدهای خانواده و برخورداری از تسهیلات رفاهی بیشتر می‌انجامد، اما نه تنها ممکن است سازگاری و آرامش بیشتری را به ارمغان نیاورد، بلکه ممکن است به خسارت‌های جبران‌ناپذیری نیز منجر شود، چرا که نوع برداشت غلط از اشتغال ممکن است باعث فروپاشی زندگی مشترک شده و بسیاری از این‌گونه خانواده‌ها را با چالش جدی مواجه سازد (احمدنیا، ۱۳۸۳: ۳۴۰-۳۳۹).

مسئله اشتغال زنان، به واسطه کم توجهی محافل و مراکز مختلف در ایران، هنوز جایگاه خود را نیافته و در کمتر خانواده‌ای شاهد موافقت اعضای خانواده با اشتغال زن در بیرون از خانه هستیم. اما امروزه با گسترده شدن امور زندگی، موضوع اشتغال خارج از خانه زن ضرورت پیدا کرده است. از این رو مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل، اهمیت موضوع و چگونگی بررسی آن را روشن می‌سازد.

براساس دلایل مذکور، تحقیق حاضر با هدف مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل و عوامل مرتبط با آن در شهر مهاباد صورت گرفته و در این راستا فرضیه‌های تحقیق به نحوی تنظیم گردیده‌اند که سازگاری زناشویی در قالب مفهوم اشتغال زنان تبیین گردد. امید است که نحوه ورود زنان به بازار کار در خارج از خانه و رویکرد نظریه اجمالی بتواند سرفصل نگاه جدیدی به مقوله اشتغال زنان را در جامعه ایران اسلامی فراهم آورد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

اشتغال

تعریف نظری: شغل یا پیشه کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. یعنی فعالیت فرد در یکی از نهادها و سازمان‌های دولتی یا خصوصی به صورت رسمی، قراردادی یا پیمانی به طوری که فرد درآمد منظم دریافت می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۱۷).

تعریف عملیاتی: کلیه زنانی که در زمان مراجعه پرسشگر دارای شغل درآمدزای خارج از خانه باشند، شاغل و کلیه زنانی که در این زمان شغل درآمدزا نداشته و جویای کار نیز نباشند (باقی زنان)، غیرشاغل نامیده می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

سازگاری زناشویی

تعریف نظری: اسپانییر (۱۹۷۶) سازگاری زناشویی را به صورت فرایندی تعریف می‌کند که به وسیله تفاوت‌های پر دردسر دوتایی، تنش‌های بین فردی و اضطراب شخصی، رضایت دوتایی، همبستگی دوتایی، توافق کلی دوتایی روی شیوه‌های مهم عملکرد تعیین می‌شود (لاسول و لاسول، ۱۹۸۲).

تعریف عملیاتی: منظور از سازگاری زناشویی در این تحقیق، پاسخی است که افراد به پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانییر داده‌اند. در این پژوهش سازگاری زناشویی با استفاده از مقیاس اسپانییر و به کمک مؤلفه‌های: رضایت از زندگی، همبستگی، توافق و ابراز محبت زوجین نسبت به یکدیگر، سنجیده می‌شود.

رضایت از زندگی

تعریف نظری: اینگلههارت رضایت از زندگی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه شکاف میان سطح آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد رضایت‌مندی او کاهش می‌یابد» (اینگلههارت، ۱۹۹۴: ۲۴۱).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش رضایت از زندگی زناشویی با استفاده از مقیاس اسپانییر و به کمک شاخص‌های: زمان تصمیم‌گیری در خصوص طلاق یا پایان دادن به زندگی مشترک، نحوه برخورد همسر در خانواده هنگام اختلافات و درگیری، کیفیت روابط و مسائل زناشویی زوجین، میزان اعتماد به یکدیگر، میزان احساس پشیمانی از ازدواج، میزان دعوا و نزاع و خردکردن اعصاب یکدیگر، ملاحظت با همسر،

میزان شادمانی و خوشی در روابط متقابل و همچنین آینده‌نگری در خصوص روابط زوجین، سنجیده می‌شود.

همبستگی

تعریف نظری: همبستگی، احساس مسؤلیت متقابل بین دو یا چند نفر است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی درحالت کلی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها و یا وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان باشد. به زبان جامعه‌شناسی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن، در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به طور متقابل نیازمند یکدیگر می‌باشند (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۰۰).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش همبستگی زوجین با استفاده از مقیاس اسپانیر و به کمک شاخص‌های: همکاری و همفکری در خصوص مسائل بیرون از خانه، تبادل افکار مهیج و برانگیزاننده، باهم خندیدن، به آرامی درباره چیزی صحبت کردن و همچنین روی طرحی باهم کار کردن، سنجیده شده است.

توافق

تعریف نظری: توافق واژه‌ای است که توسط جامعه‌شناسان فرانسوی و آمریکایی به کار می‌رود و بر پیدایش اتفاق نظر و توافقی آشکار یا پنهان در یک گروه دلالت دارد. توافق، فرایندی است که از طریق آن، اعضای یک گروه یا یک جامعه به بیان مشترکی در باب حیات مشترک خود دست می‌یابند (بیرو، ۱۳۷۵: ۶۴).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش توافق بین زن و مرد با استفاده از مقیاس اسپانیر و به کمک شاخص‌های: رسیدگی به مسائل خانواده، تفریحات و سرگرمی‌ها، موضوعات دینی و مذهبی، روابط با دوستان، فلسفه زندگی، چگونگی برخورد با والدین یکدیگر، اهداف، آرزوها و ایده‌های مهم، مدت زمان باهم گذراندن، گرفتن تصمیم‌های مهم و اساسی، انجام کارهای منزل، فعالیت‌ها و علایق زمان فراغت و تصمیم‌های شغلی و کاری، سنجیده می‌شود.

ابراز محبت

تعریف نظری: ابراز محبت یعنی این که چند وقت یک بار زوجها به یکدیگر ابراز عشق و علاقه کنند (هاستون و همکار، ۲۰۰۴). ابراز محبت، راه مسلم ایجاد مهر و محبت در همسران است. نشان دادن محبت در عمل، تأثیرش از گفتن و ابراز آن بیشتر است (شولتز، ۱۳۷۰).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش ابراز محبت زوجین نسبت به یکدیگر با استفاده از مقیاس اسپانیر و به کمک شاخص‌های: ابراز عواطف و احساسات، روابط متقابل فردی، رعایت آداب زندگی، کیفیت برقراری روابط خانوادگی و همچنین نحوه ابراز عشق و محبت، سنجیده می‌شود.

اهداف تحقیق**هدف کلی**

هدف کلی این تحقیق، مقایسه میزان سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل و عوامل مرتبط با آن در شهر مهاباد می‌باشد.

اهداف اختصاصی

۱. مقایسه میزان رضایت از زندگی زوجین در بین زنان شاغل و غیرشاغل
۲. مقایسه میزان همبستگی زوجین در بین زنان شاغل و غیرشاغل
۳. مقایسه میزان توافق زوجین در بین زنان شاغل و غیرشاغل
۴. مقایسه میزان ابراز محبت زوجین در بین زنان شاغل و غیرشاغل.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان سازگاری زناشویی زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد.
۲. بین میزان رضایت از زندگی زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد.
۳. بین میزان همبستگی زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد.
۴. بین میزان توافق زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد.
۵. بین میزان ابراز محبت زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد.

چارچوب نظری تحقیق

مهم‌ترین نظریه‌ای که در مورد سازگاری زناشویی وجود دارد، نظریه روانکاو فیربین (۱۹۶۴-۱۸۸۹) است. فیربین (۱۹۵۲) معتقد است چیزی به عنوان «نهاد» وجود ندارد. تنها چیزی که هست، «من» مرکزی است که در هنگام تولد ظاهر می‌شود. «من» دارای منبع انرژی است، به علاوه، انگیزش اساسی انسان در جهت کاهش اضطراب، تنش و جستجوی لذت و خوشی نیست، بلکه انگیزش اولیه رفتار، جستجوی اشیاء است. فیربین معتقد است که رشد شخصیت به وسیله مراحل متمایز از وابستگی، یعنی به وسیله مرحله انتقالی، به وابستگی کامل می‌رسد. منظور وی از وابستگی کامل (بزرگسالی) این است که فرد قابلیت دارد خود را به عنوان یک فرد متمایز از دیگران دریابد؛ به عبارت دیگر، فردی که بتواند به روابط مسالمت‌آمیز با سایر افراد دست‌یابد. وی نیز می‌خواست مانند سایر روان‌کاوان، نحوه پیدایش و ایجاد اختلالات روانی را تبیین کند. او هم مثل دیگران به وجود یک تعارض اعتقاد داشت اما معتقد بود که این تعارض ربطی به نهاد ندارد بلکه این تعارض به تجربه‌های ناهماهنگ و ناسازگار فرد با اشیاء مربوط است (خدارحیمی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

از نظر دورکیم رضایت از زندگی تابع نوع، شدت و چگونگی رابطه اجتماعی است که از یک سو، به تأمین نیازهای شناختی و مالی فرد بر رضایت از زندگی او اثر می‌گذارد و از سوی دیگر، از طریق مهار تمایلات افراد، از آرزوهای بی‌پایان و ارضا نشدنی جلوگیری می‌کند. به نظر دورکیم اشتغال زن باعث استقلال، افزایش اعتماد به نفس و امیدواری او می‌شود. هم‌چنین موجب می‌گردد او خود را عضو مفید و سازنده‌ای از جامعه بداند و ضمن همکاری و مشارکت با همسرش در انجام کارهای منزل، همبستگی خود را با سایر اعضای خانواده محکم‌تر سازد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴). دورکیم معتقد است جامعه‌ای که افراد آن به وسیله نظامی از ارزش‌ها و هنجارها هدایت می‌شوند، از رضایت بیشتری برخوردار هستند (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

مرتون چنین اظهار می‌دارد که اشتغال زنان در خارج از خانه در واقع روابط افراد خانواده، به خصوص روابط عاطفی و محبت‌آمیز بین زن و شوهر، را به طور اجتناب‌ناپذیری تغییر می‌دهد. با تغییر مجموعه روابط اعضا، آن استحکام و روابط عاطفی که در خانواده حکم‌فرما است، کم رنگ‌تر می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۱: ۱۴۲).

جان‌مایه اصلی نظریه کالینز این است که عدم تفاهم و ناسازگاری میان اعضای خانواده بر سر منافع، به تقویت مشروعیت یکی در برابر دیگری منجر می‌شود و چنانچه ثروت در رأس هرم باشد، پول، درآمد، اشتغال و دیگر متغیرهای حوزه اقتصاد در زمره منابع ارزشمند قرار می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۱: ۱۷۳). در نظریه تقسیم کار دورکیم، سازگاری زن و شوهر مستلزم همکاری و احساس مسؤلیت آنان در قبال یکدیگر است. در صورتی که در محیط خانواده هماهنگی صورت گیرد و هر یک از زوجین در امور منزل با یکدیگر مشارکت و همکاری کنند، تفاهم و سازگاری بین آن‌ها بیشتر می‌شود (اعزاز، ۱۳۸۹: ۱۶۰). پارسونز معتقد است توافق بر سر توزیع عادلانه منابع و امکانات، مهم‌ترین عامل حفظ بقا و تعادل خانواده است. نحوه قرار گرفتن و جایگاه زن و شوهر در چارچوب خانواده در تنظیم روابط فرد با دیگر اعضای خانواده تأثیر دارد (زلدیچ، ۱۹۹۸: ۱۳۹). هرگاه شیوه توزیع منابع در داخل خانواده با توافق اعضا انجام نشود، مشروعیت سیستم زیر سؤال می‌رود و هر یک از افراد به منظور اشغال پایگاه بهتر، بر میزان فاصله خود با دیگری می‌افزایند. تعادل، مدیریت توافقی و کسب رضایت اعضای درون خانواده ضرورت کارکردی دارد زیرا هرگونه ابهام در موقعیت فرد در خانواده، زمینه بی‌ثباتی را فراهم می‌کند (پارسونز، ۱۳۷۷: ۸۶).

پارسونز معتقد است اشتغال زن علاوه بر آن که موقعیت عاطفی وی را در خانواده متزلزل می‌سازد، به سبب رقابت شغلی زن با شوهر نیز به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌انجامد و به همین دلیل، وی اشتغال زنان را نکوهش می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۱: ۴۶۶).

هلموت شلسکی نابسامانی و ناسازگاری در روابط زن و مرد را ناشی از تماس زن با جهان بیرون از خانه و خانواده می‌داند. شلسکی سلطه طبیعی مرد بر سایر اعضای خانواده را ضامن حفظ کارکردهای خانواده

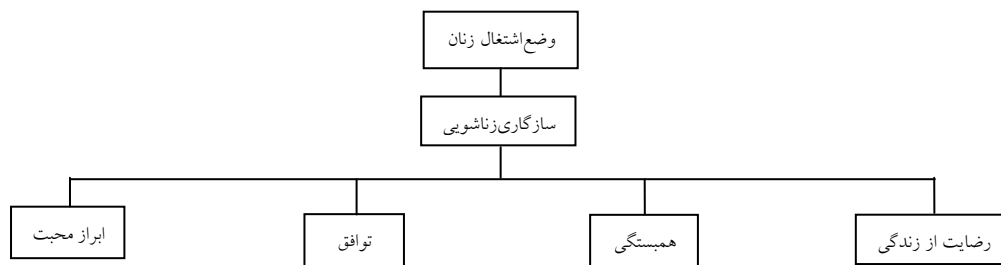
می‌داند و بر خانه‌داری زن تأکید می‌کند. او می‌گوید، تماس زن با جهان بیرون از خانه و خانواده، متضمن زبان‌های جبران‌ناپذیری برای خانواده است و زن با کار کردن در بیرون از خانه، امنیت و موجودیت خانواده را از هم می‌پاشد و موجب ایجاد نابسامانی و ناسازگاری در روابط خانوادگی، به خصوص روابط بین زن و مرد می‌شود (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۱۰۲).

سکارمن معتقد است که تصمیم‌گیری‌های مشترک بین زن و شوهر باعث همبستگی و سازگاری بیشتر آنان می‌گردد و آن دو را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌سازد. به نظر سکارمن، اشتغال زن در دید مرد، به معنای ایفای نقش‌ها و تعهدات غیرسنستی است که باعث می‌شود مرد به تنهایی مسؤل رفاه مالی خانواده نباشد و کمتر احساس فشار کند. این شیوه بر تعادل در تصمیم‌گیری و کیفیت روابط زناشویی تأثیر مثبت دارد (کارلسون و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۳-۴۴).

ویلیام گود برای تبیین روابط بین زن و شوهر در خانواده هسته‌ای از «عشق» به عنوان یک قابلیت عاطفی یاد می‌کند که در تمام جوامع دیده می‌شود. گود معتقد است در خانواده‌هایی که زن برخلاف میل شوهر در بیرون از خانه کار می‌کند، سازگاری زناشویی کمتری بین آنان وجود دارد؛ هم‌چنین اگر شوهر با کار کردن زن موافق باشد، ولی زن تن به کار ندهد، باز هم سطح سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد (لیدر، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷).

طبق نظریه مبادله هومنز، زوج‌هایی که در تقسیم کارهای خانه، سهم و نقش مشترکی دارند، از سطوح بالای از رضایت زناشویی برخوردارند. هومنز در قالب نظریه تبدلی خاص خود بر آن شد تا رفتار بنیادی اجتماعی را بر حسب پاداش‌ها و خسارت‌ها تبیین کند. او بر این باور است که اساس مبادله اجتماعی بر منفعت شخصی و ترکیبی از نیازهای اقتصادی و روانی استوار است (ریترز، ۱۳۸۱: ۴۳۱).

طبق نظریه رنه‌گونیک (برخلاف نظر پارسونز و شلسکی)، جامعه هیچ‌گونه مانعی بر سر راه زنان قرار نمی‌دهد. مؤسسه‌هایی مثل پانسیون‌های متعدد روزانه مخصوص نگهداری اطفال مادران دارای فرزند، برای رفاه مادران و زنان شاغل به وجود آمده است. گونیک معتقد است داشتن شغل مناسب بر اساس تخصص برای زنان بسیار شایسته است، چه بسا زنان شاغل قادرند تربیتی مناسب برای فرزندان‌شان همراه با شغل بیرون ارمغان بیاورند (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۱۰۶).



نمودار شماره (۱): مدل نظری مقایسه سازگاری زناشویی زنان و وضع اشتغال آنان

روش تحقیق

با توجه به این که پژوهش حاضر به مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل و عوامل مرتبط با آن در شهر مهاباد می‌پردازد، بنابراین از روش توصیفی از نوع پیمایشی برای پژوهش استفاده شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده خانواده‌ها، مسئولین و نهادهای اجتماعی قرار گیرد، لذا جزء پژوهش‌های کاربردی نیز محسوب می‌شود.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه زنان متأهل با دامنه سنی ۶۴ - ۱۵ سال شاغل و غیرشاغل شهر مهاباد را شامل می‌شود که مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، ۴۶۶۲۵ نفر می‌باشد. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه‌ای که از طریق فرمول کوکران به دست آمده، ۳۸۰ نفر می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است.

$$n = \frac{N \cdot pq \cdot t^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot pq} = \frac{46625 \times 3/84 \times 0/5 \times 0/5}{46625 \times 0/025 + 3/84 \times 0/5 \times 0/5} = \frac{44760}{117/5225} = 380$$

N: جامعه آماری = ۴۶۶۲۵ n: حجم نمونه = ۳۸۰ نفر

P: نسبت وجود صفت در جامعه = ۰/۵ q: نسبت عدم وجود صفت در جامعه = ۰/۵

d: درصد خطا یا دقت احتمالی مطلوب = ۰/۵ t^2 : آزمون تی با ضریب اطمینان ۹۵٪ = ۱/۹۶

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه استاندارد سازگاری زناشویی اسپانیر است که برای سنجش مفاهیم آن، از طیف لیکرت استفاده شده است. در ایران این پرسشنامه توسط ثنایی و هومن مورد هنجاریابی قرار گرفته است. این مقیاس توسط اسپانیر (۱۹۷۶) به منظور سنجش سازگاری بین زوجین تنظیم گردیده است. مقیاس مزبور دارای چهار خرده مقیاس تحت عنوان رضایت (۱۰ سؤال)، همبستگی (۵ سؤال)، توافق (۱۳ سؤال) و ابراز محبت (۴ سؤال) می‌باشد (اسپانیر، ۱۹۷۶).
به منظور تعیین اعتبار ابزار پژوهش از روش اعتبار صوری استفاده شده که در ایران نقایص آن توسط ثنایی ذاکر و هومن نیز برطرف گردیده است. این مقیاس از اعتبار همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس نیز همبستگی دارد.

برای سنجش پایایی سؤال‌های پرسشنامه در تحقیق حاضر، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از فرمول ضریب آلفای کرونباخ، پایایی این ابزار در کل نمره‌ها ۰/۹۶ برآورد شده و نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. در جدول شماره (۱) مقدار پایایی هر یک از گویه‌ها گزارش شده است.

جدول شماره (۱): پایایی گویه‌های مربوط به سازه‌های مورد بررسی		
سازگاری زناشویی	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
رضایت از زندگی	۱۰	۰/۹۴
همبستگی	۵	۰/۸۱
توافق	۱۳	۰/۹۰
ابراز محبت	۴	۰/۷۳

داده‌های گردآوری شده به صورت دقیق با استفاده از نرم افزار (spss) نسخه ۱۷ تجزیه و تحلیل شده است. برای توصیف و نمایش یافته‌های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی به محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و تهیه جداول و نمودارها پرداخته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آمار استنباطی (آزمون تی دو گروه مستقل) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول: بین میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد. براساس اطلاعات جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود که میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل با میانگین‌های به دست آمده (۲۶/۸۲ و ۲۶/۱۵)، مقدار آزمون تی ($t = -۰/۷۴۲$) و همچنین سطح معنی‌داری ($Sig = ۰/۴۵۹$)، به دست آمده که بیشتر از آلفای ۰/۰۵ است، متفاوت نیست. یعنی میانگین به دست آمده نشان می‌دهد که میزان رضایت زندگی زناشویی زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است ولی این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

جدول شماره (۲): آزمون تی مقایسه میزان رضایت از زندگی زنان و وضع اشتغال آنان

وضع اشتغال زنان		رضایت از زندگی زناشویی		
میانگین	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
شاغل	۲۶/۸۲	۳۷۸	۰/۴۵۹	-۰/۶۶
غیرشاغل	۲۶/۱۵	۳۷۸	۰/۴۵۹	-۰/۶۶

فرضیه دوم: بین میزان همبستگی زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد. براساس اطلاعات جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود که میزان همبستگی زنان شاغل و غیرشاغل با میانگین‌های به دست آمده (۱۶/۱۰ و ۱۵/۹۰)، مقدار آزمون تی ($t=۰/۳۵۳$) و هم‌چنین سطح معنی‌داری ($Sig = ۰/۷۲۴$)، به دست آمده که بیشتر از آلفای ۰/۰۵ است، متفاوت نیست؛ یعنی میانگین به دست آمده نشان می‌دهد که میزان همبستگی زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است ولی این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

جدول شماره (۳): آزمون تی مقایسه میزان همبستگی زنان و وضع اشتغال آنان

وضع اشتغال زنان		همبستگی		
میانگین	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
شاغل	۱۶/۱۰	۳۷۸	۰/۷۲۴	۳/۱۴
غیرشاغل	۱۵/۹۰	۳۷۸	۰/۷۲۴	۳/۱۴

فرضیه سوم: بین میزان توافق زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد. براساس اطلاعات جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که توافق زوجین در بین زنان شاغل و غیرشاغل با میانگین‌های به دست آمده (۴۸/۸۱ و ۴۵/۶۶)، مقدار آزمون تی ($t=۳/۶۹$) و هم‌چنین سطح معنی‌داری ($Sig = ۰/۰۰۰$)، به دست آمده که کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، متفاوت است؛ یعنی میانگین به دست آمده نشان می‌دهد که میزان توافق زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره (۴): آزمون تی مقایسه میزان توافق زنان و وضع اشتغال آنان

وضع اشتغال زنان		توافق		
میانگین	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین
شاغل	۴۸/۸۱	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۱۴
غیرشاغل	۴۵/۶۶	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۱۴

فرضیه چهارم: بین میزان ابراز محبت زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد. براساس اطلاعات جداول شماره (۵) ملاحظه می‌شود که میزان ابراز محبت زنان شاغل و غیرشاغل با میانگین‌های به دست آمده (۱۱/۹۷ و ۱۱/۳۲)، مقدار آزمون تی (t=۲/۵۸) و هم‌چنین سطح معنی داری (Sig= ۰/۰۱۰)، به دست آمده که کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، متفاوت است؛ یعنی میانگین به دست آمده نشان می‌دهد که میزان ابراز محبت زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است و این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره (۵): آزمون تی مقایسه میزان ابراز محبت زوجین زنان و وضع اشتغال آنان

وضع اشتغال زنان		ابراز محبت		
میانگین	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین
شاغل	۱۱/۹۷	۳۷۸	۰/۰۱۰	۰/۶۵
غیرشاغل	۱۱/۳۲	۳۷۸	۰/۰۱۰	۰/۶۵

فرضیه اصلی: بین میزان سازگاری زناشویی زنان و وضع اشتغال آنان تفاوت وجود دارد. براساس اطلاعات جداول شماره (۶) ملاحظه می‌شود که سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل با میانگین‌های به دست آمده (۱۰۳/۰۴ و ۹۹/۷۱)، مقدار آزمون تی (t=۲/۰۳۱) و هم‌چنین سطح معنی داری (Sig= ۰/۰۴۳)، به دست آمده که کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، متفاوت است؛ یعنی میانگین به دست آمده نشان می‌دهد که میزان سازگاری زناشویی زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است و این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره (۶): آزمون تی مقایسه میزان سازگاری زناشویی زنان و وضع اشتغال آنان

وضع اشتغال زنان		سازگاری زناشویی		
میانگین	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
شغل	۱۰۳/۰۴	۳۷۸	۰/۰۴۳	۳/۳۳
غیرشغل	۹۹/۷۱	۳۷۸	۰/۰۴۳	۳/۳۳

بحث و نتیجه‌گیری

سازگاری زناشویی از عوامل بسیار مهم در زندگی است که در صورت وجود آن در خانواده، باعث می‌شود زن و شوهر آرامش را در زندگی ببینند و در سایه این آرامش، فرزندان نیز به خوبی تربیت شوند و آثار آن در جامعه پدیدار شود. نبود سازگاری در زندگی زناشویی باعث مشکلات و اختلافات زیادی در بسیاری از زمینه‌ها می‌شود، حتی درپاره‌ای موارد زن و شوهر را تا پای میز طلاق هم می‌کشاند که عواقب بسیار بد و وخیم آن بر کسی پوشیده نیست. در این میان وجود نگرش منفی مردان نسبت به نقش شغلی زنان و تأثیر عمده ممانعت برخی از مردان از اشتغال یا ادامه اشتغال همسران، شرایط نابرابری شغلی و درآمدی زنان و مردان در بازار کار، ابراز ناخرسندی شوهران نسبت به کارکردن زنان شاغل، احساس تعارض نقش در مورد مادران شاغل که در نتیجه شرایط اجتماعی، فرهنگی مذکور پدید آمده، زمینه بروز مشکلات و ناسازگاری در روابط زوجین را در خانواده فراهم می‌نماید (احمدنیا، ۱۳۸۳: ۳۴۰-۳۳۹).

با نگرش کلی بر یافته‌های این پژوهش پیرامون مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل شهر مهاباد، می‌توان چنین خلاصه کرد:

فرضیه اول این پژوهش مبنی بر مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل در جامعه آماری مورد بررسی، مورد تأیید قرار نگرفت. یافته‌های حاصل از آزمون تی در این تحقیق نشان می‌دهد که زنان شاغل و غیرشاغل تقریباً به یک اندازه از زندگی زناشویی خود راضی هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شاغل بودن یا نبودن زنان تأثیر چندانی بر رضایت از زندگی آنان در محیط خانواده ندارد. یافته‌های این فرضیه با نظریه دورکیم و هومنز همخوانی دارد. از نظر دورکیم، رضایت از زندگی تابع نوع، شدت و چگونگی رابطه اجتماعی است که از یک سو به تأمین نیازهای شناختی و مالی فرد بر رضایت از زندگی اثر می‌گذارد و از سوی دیگر از طریق مهار تمایلات افراد، از آرزوهای بی پایان و ارضا نشدنی جلوگیری می‌کند. دورکیم نیز معتقد است جامعه‌ای که افراد آن به وسیله نظامی از ارزش‌ها و هنجارها هدایت می‌شوند، از رضایت بیشتری برخوردار می‌باشند (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۹۶). هم‌چنین طبق نظریه مبادله هومنز، زوج‌هایی که در تقسیم کارهای خانه، سهم و نقش مشترکی دارند، از سطوح بالایی از رضایت زناشویی برخوردارند (ریتزر، ۱۳۸۱: ۴۳۱).

فرضیه دوم این پژوهش مبنی بر مقایسه میزان همبستگی زنان شاغل و غیرشاغل در جامعه آماری مورد بررسی، مورد تأیید قرار نگرفت. یافته‌های حاصل از آزمون تی در این تحقیق نشان می‌دهد که زنان شاغل و غیرشاغل تقریباً به یک اندازه در زندگی زناشویی خود همبستگی دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شاغل بودن یا نبودن زنان تأثیر چندانی بر همبستگی زوجین نیز در محیط خانواده ندارد. یافته‌های این فرضیه با نظریه پارسونز همخوانی ندارد ولی با نظریه سکارمن همخوان است. به نظر پارسونز (۱۹۹۱) وظیفه زن در خانواده ایجاد وحدت و همبستگی بین اعضای خانواده، به خصوص شوهر است؛ در صورتی که زن به اشتغال در خارج از خانه پردازد، تعادل زندگی زناشویی به هم می‌خورد زیرا زن در حالت اشتغال تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود شده و رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و ناسازگاری در خانواده می‌شود (میشل، ۱۳۵۴: ۱۲۲). هم‌چنین به نظر سکارمن اشتغال زن باعث می‌شود مرد کمتر احساس فشار کند. این شیوه بر تعادل در تصمیم‌گیری و کیفیت روابط زناشویی تأثیر مثبت دارد (کارلسون و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۴ - ۴۳).

فرضیه سوم این پژوهش مبنی بر مقایسه میزان توافق زنان شاغل و غیرشاغل در جامعه آماری مورد بررسی، مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های حاصل از آزمون تی در این تحقیق نشان می‌دهد که میزان توافق زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل بیشتر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان توافق زنان شاغل بر سر موضوعات مهمی نظیر رسیدگی به مسائل مالی خانواده و اتخاذ تصمیمات مهم، بیشتر از زنان غیرشاغل است. یافته‌های این فرضیه با نظریه پارسونز همخوانی ندارد زیرا پارسونز در نظریه «تفکیک نقش‌ها»، خانه‌داری و ماندن زنان در خانه را عامل تفاهم و پایداری خانواده می‌داند (پارسونز، ۱۹۹۸: ۸۶)؛ در حالی که این فرضیه نشان می‌دهد اشتغال زن می‌تواند زمینه‌ساز توافق و همبستگی در خانواده باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داشتن توافق نسبت به موضوعات مهم زندگی در موفقیت و رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل نقش مهمی دارد.

فرضیه چهارم این پژوهش مبنی بر مقایسه میزان ابراز محبت زنان شاغل و غیرشاغل در جامعه آماری مورد بررسی مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های حاصل از آزمون تی در این تحقیق نشان می‌دهد که میزان ابراز محبت زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان ابراز محبت زنان شاغل در زمینه ابراز عواطف و احساسات، روابط متقابل طرفین، رعایت آداب زندگی، برقراری روابط زناشویی و هم‌چنین ابراز عشق و محبت، بیشتر از زنان غیرشاغل است. یافته‌های این فرضیه با نظر مازلو، بک، اسپانیو و لوئیس همخوانی دارد. طبق نظر مازلو، ابراز محبت برای سلامت روانی بشر لازم است و زوجین برای سازگاری در زندگی زناشویی باید به یکدیگر عشق و محبت ابراز کنند. هم‌چنین «بک» معتقد است ابراز محبت، راه مسلم ایجاد مهر و محبت در همسر است. اسپانیو و لوئیس نیز بیان کرده‌اند ابراز محبت باعث می‌شود که فرد، رضایت‌مندی و شادکامی بیشتری در روابط زناشویی داشته باشد.

فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر مقایسه میزان سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل در جامعه آماری مورد بررسی، به تأیید رسید. یافته‌های حاصل از آزمون تی در این تحقیق نشان داد که میزان سازگاری زناشویی زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است. یافته‌های این فرضیه با نظریه مرتون و شلسکی همخوانی ندارد زیرا مرتون اشتغال زن در خارج از محیط خانه را زمینه‌ساز نارضایتی و ناسازگاری اعضای خانواده و آشفتگی و بی‌سازمانی خانه می‌داند (باقری، ۱۳۸۸: ۵۱). هم‌چنین از نظر شلسکی تماس زن با جهان بیرون از خانه و خانواده، امنیت و موجودیت خانواده را به هم می‌زند و موجب ایجاد نابسامانی و ناسازگاری در روابط خانوادگی به خصوص روابط بین زن و مرد می‌شود (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۱۰۲).

به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میزان سازگاری زناشویی زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل بیشتر است. بنابراین، برخلاف آن‌چه که تصور می‌شود قبول همزمان دو مسئولیت خانه‌داری و اشتغال و فشار فزاینده ناشی از آن باعث ناسازگاری در زندگی زنان شاغل می‌شود، زنان شاغل از روابط زناشویی خود راضی‌تر هستند، عادت‌های شخصیت شریک زندگی خود را دوست دارند، از مصاحبت با خانواده و دوستان لذت می‌برند و مشکلات را با یکدیگر حل می‌کنند. زنان شاغل در خارج از خانه به واسطه آموزش‌هایی که در محیط کار می‌بینند، روحیه مسئولیت‌پذیری، تعاون و همکاری را در بین اعضای خانواده خود تقویت نموده و باعث ایجاد تفاهم و سازگاری و روابط محبت‌آمیز در بین اعضای خانواده می‌شوند. این امر، به نوبه خود، باعث بهبود روابط آن‌ها با همسرشان می‌شود. هم‌چنین اشتغال زن در بیرون از خانه و برخورد با افراد مختلف در جامعه، باعث تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آنان می‌شود. به طور کلی، باید گفت: هر قدر زنان بیشتر وارد عرصه اجتماعی شوند، به همان نسبت بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی و انزوایابی، بیزاری از نظام کنترل اجتماعی، بی‌اعتمادی و بدبینی به قوانین و قواعد حاکم بر جامعه در این قشر عظیم کاسته خواهد شد.

پیشنهادها

با وجود این که انتظار می‌رفت میزان سازگاری زناشویی زنان غیرشاغل با توجه به در اختیار داشتن اوقات فراغت کافی، بالاتر باشد، اما نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل از سازگاری بیشتری در زندگی خود برخوردارند. بنابراین به کارگیری نکات زیر به منظور ارتقای کیفیت بیشتر روابط سازگاران در بین زنان غیرشاغل می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد:

۱. در زمینه تغییر و اصلاح باورها و عقاید مردان در خصوص اشتغال زنان در خارج از خانه و لزوم حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه از طریق رسانه‌های عمومی اقدامات لازم صورت گیرد.
۲. وضعیت ایجاد روابط سازگاری زناشویی زنان غیرشاغل در حد انتظار نمی‌باشد لذا پیشنهاد می‌شود جهت ارتقای دانش و معلومات زنان غیرشاغل از سازگاری و عوامل مرتبط با آن و تغییر در روابط و مهارت ارتباطی آنان، سازمان‌های مرتبط با خانواده با برگزاری کارگاه‌های مختلف

آموزشی هر از چند گاهی به صورت مدون و برنامه‌ریزی شده و با ارائه سرفصل‌های مشخص مهارتی، زوجین را با فنون و مهارت‌های دقیق سازگاری زناشویی و عوامل مرتبط با آن آشنا سازند.

۳. اشتغال در خارج از خانه برای زنان مانع از یکنواختی و خستگی ناشی از وظایف تکراری خانه‌داری می‌شود و آن‌ها را از بطالت و بیهودگی دور می‌کند. بنابراین لازم است برای زنان خانه‌دار نیز بستر مناسب برای اشتغال در خارج از خانه فراهم شود تا آن‌ها بتوانند اوقات فراغت خود را پر کنند و دچار افسردگی نشوند.

رشد و شکوفایی یک کشور امری همه جانبه و فراگیر است که مسؤلیت آن بر دوش همه مردم است. بنابراین ایجاد فرصت‌هایی که زمینه مشارکت عادلانه همه اقشار جامعه را فراهم آورد و آنان را از مزایای اجتماعی و اقتصادی مشارکت بهره‌مند سازد، از ضروریات رشد و پیشرفت کلیه جوامع محسوب می‌شود. در این میان عنایت ویژه به موقعیت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه به منظور اتخاذ سیاست‌های حمایتی جهت ارتقای کمی و کیفی وضعیت کنونی زنان در اشتغال از یک‌سو و بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی‌ها و استعداد‌های آن‌ها از سوی دیگر، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اهمیت و ضرورت متفاوت بودن سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل امری قابل توجه است. در این پژوهش به مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل و عوامل مرتبط با آن پرداخته شد. لذا به پژوهشگران علاقه‌مند به مباحث خانواده و مسائل زناشویی پیشنهاد می‌شود به مقایسه کیفیت زندگی زنان شاغل و غیرشاغل، تأثیر اشتغال بر شکل‌گیری شخصیت زن در خانواده و جامعه، مقایسه دیدگاه همسران زنان شاغل و غیر شاغل در خصوص اشتغال زنان و رابطه اشتغال زنان با متغیرهایی مانند انگیزه‌های شخصی، عزت‌نفس و انگیزه‌های رفاهی بپردازند تا شاید این پژوهش‌ها بتواند گره‌گشای بیشتر مسائل خانواده باشد.

منابع

- احمدنیا، ش. (۱۳۸۳). تأثیر اشتغال بر سلامت زنان. فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۱۸.
- اعزاز، ش. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اینگلهارت، ر. (۱۹۹۴). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه: م. وتر. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیرو، آ. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: ب. ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- خدارجمی، س. و همکاران. (۱۳۷۷). روان‌شناسی زنان. تهران: انتشارات مردمک.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- روزن‌باوم، ه. (۱۳۶۷). خانواده به منزله ساختار در مقابل جامعه. ترجمه: م. ص. مهدوی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش. چاپ دوم.
- شربتیان، م. ج. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد و موانع اجتماعی شدن اشتغال زنان. فصلنامه علمی دانشگاه پیام نور. شماره سوم، سال هفتم.

- شفیخ‌آبادی، ع. (۱۳۸۴). **اشتغال زن، محاسن و محدودیت‌ها**. چکیده مقالات پنجمین سمینار انجمن مشاوره ایران. شولتز، د. و ا. سیدنی. (۱۳۷۰). **تاریخ روان‌شناسی نوین**. ترجمه: ع. ا. سیف. تهران: انتشارات رشد، جلد دوم.
- کارلسون، ج. لن اسپری؛ و همکار. (۱۳۷۸). **خانواده درمانی: تضمین درمان کارآمد**. ترجمه: ش. نوابی‌نژاد، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات خانواده انجمن اولیا و مربیان.
- کوزر، ل. (۱۳۸۹). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: م. صبوری. تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). **سرشماری عمومی نفوس و مسکن**.
- موسی‌پور، ع. (۱۳۸۷). **بررسی راهکارهای توسعه اشتغال زنان در استان آذربایجان شرقی**. تبریز: انتشارات معاونت برنامه‌ریزی استانداری آذربایجان شرقی.

- Gaal, F. (2005). **The role of differentiation of self and anxiety in predicting marital adjustment following the death of an adult, married- child biological parent**. Unpublished doctoral dissertation, Faculty of the graduate school of psychology, Seton Hall University, Los Angeles, California.
- Huston, T. L. & M, H. (2004). The case for (promoting) marriage: The devil is in the details. **Journal of Marriage and Family**. 66(4), 943-958.
- Parsons, T. (1998). **Family Socialization and Interaction Process**. Printed and Bounded in Grate Britain.
- Lasswell, M. E. & lasswell, T. E. (1982). **Marriage and family**. D. C: Health & Row Publishers.
- Leeder, J. Eline. (2004). **The Family in Global Perspective**. Printed in the United States of America.
- Spanier, G, B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. **Journal of Marriage and the Family**. 38, 15-28.